رئالیسم اجتماعی در آثار احمد محمود

محمدامین اجاقی [1]

دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

احمد محمود دارای آثار متعددی در قالب داستان کوتاه و رمان است. وی در آثارش سعی خود را بر وصف شرایط و روابط حاکم میان فرد و اجتماع نهاده است؛ یعنی توصیف زندگی روزانهی مردم عادی، نیازها و نگرانی هایشان در طی جو حاکم بر نظام اجتماعی که در قالب روایتهای داستانی گنجانیده شدهاند. این نوع داستان پردازی، سبک وی را در زمره نویسندگان متمایل به رئالیسم اجتماعی یا واقع گرایی اجتماعی قرار داده است. گرایش محمود به واقعگرایی در آثارش، همچنین وجود نشانه های رئالیسم اجتماعی در داستان های وی، دلیلی برای مطالعه و بررسی داستان های احمد محمود است، بدین سبب با طرح این سوال که وجود چه مشخصه هایی، نوشته های احمد محمود را ذیل سبک واقع گرایی اجتماعی قرار می دهد به بررسی پژوهش حاضر پرداخته شده است. در این بررسی هدف اصلی، روشنتر نمودن هر چه بیشتر فضای رئالیستی داستان های محمود و سبک رئالیسم اجتماعی وی بوده چنانکه آثارش از بهترین نمونه های این سبک در داستان نویسی ایران است. در این پژوهش با رویکردی تحلیلی توسعه ای و از طریق مطالعات کتابخانه ای، همچنین تحلیل عناصر رئالیسم اجتماعی در رمان های که بارزترین نمونه های آثار رئالیسم «بازگشت» و داستان کوتاه «مدار صفردرجه»، «زمین سوخته»، «داستان یک شهر» ،«همسایه‌ها» اجتماعی احمد محمود به شمار می آیند، مشخص شد که احمد محمود با ذکاوتی خاص در انتخاب موضوعات اجتماعی به عنوان درونمای آثار، خلق شخصیت های داستانی به عنوان چهره ها و تیپ هایی که نمونه هایی از افراد زندگی روزمره اطراف ما هستند، همچنین قرار دادن این شخصیت ها در حوادثی قابل باور، توانسته است آثاری با سبک واقع گرایی اجتماعی خلق نماید.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم اجتماعی، احمد محمود، درونمایه، شخصیت، حادثه.

[1] Email: M.aminojaqhi1373@gmqil.com.

مقدمه

ادبیات معاصر ایران به واسطه ی ترجمه هایی که از آثار غربی داشت تقریبا ادبیاتی تقلیدی است و آنچه در سیر داستان‌نویسی تحت عنوان مکتب ادبی در آن مطرح بوده خلاصه ای از آموزه های غربی است؛ واقع گرایی اجتماعی یا social realism به عنوان فرمی از مکتب رئالیسم، از جمله گرایشاتی است که در داستان نویسی معاصر ایران رواج یافت؛ در این نوع واقعگرایی، پایه قراردادن وجوه زندگانی مردمانی که زیر تاثیر بحران های زماناند و ارائه حال درونی که عبارت است از شبحی از جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی در کالبد حکایت، به گونه ای کاملاً ضمنی در دستور کار است. در ایران واقعگرایی در معنای پیوستن ادبیات به اجتماع، برای نخستین بار در سال های مشروطیت (۱۲۸۵) شکل جدی به خود گرفت؛ این واقع محمد علی جمالزاده به واقع گرایی اجتماعی در معنای «یکی بود یکی نبود» گرایی خام در سال ۱۳۰۱، در قالب داستان کوتاه جنبشی آن تبدیل می شود. در طی گذار این مکتب در ادب فارسی و پختگی آن ، در میان نویسندگان دهۀ ۵۰-۴۰ بر میخوریم که نمونههای داستانی: احمداعطا معروف به احمد محمود متولد ۴ دی ماه ۱۳۱۰ (گلستان، ۱۳۸۶: ۷) وی مثال بارز واقعگرایی اجتماعی هستند؛ او را به سبب روشهای غالبی که در داستان نویسی دارد پیرو مکتب رئالیسم اجتماعی میدانند که به نوعی از رئالیسم اجتماعی در دهه چهل و پنجاه شیوۀ غالب داستان نویسی و نوشتاری نویسندگان آن دوره متاثر است. (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۴۷۷)

دوران نویسندگی احمد محمود به سه بخش تقسیم می شود: دوران آغازین نویسندگی از (۱۳۴۶-۱۳۳۳)، دوره میان نویسندگی از (۱۳۴۶-۱۳۵۷) و سومین دوره داستان نویسی وی که از سال ۱۳۵۷ شروع شده است. وی تنها زمانی به عنوان نویسنده ای واقع گرا در ادبیات داستانی مشهور می شود که در نوشتن به سبکی شخصی دست می یابد و نمود عناصر واقعگرایی در آثار او شفافتر می شوند؛ این پختگی از دوران دوم نویسندگی وی همزمان با همسایه « به بعد مشاهده می شود، این نوع از گرایش به واقع گرایی اجتماعی بعد از شاهکار ») همسایه ها (۱۳۵۳)، انتشار رمان ۳جلدی، مدار صفردرجه (۱۳۷۰)، زمین سوخته (۱۳۶۱) داستان یک شهر) ۱۳۶۰ « به ترتیب در رمانهای ،» ها توسط محمود پی گرفته شده، پخته تر و شفافتر میشود. محمود سیر داستان نویسی

خود را » بازگشت ۱۳۶۹ « داستان کوتاه اگر از همسایه ها حرکت کنیم و برسیم به مدار صفر درجه میبینیم همسایه ها را بیشتر بانوعی « : اینچنین شرح میدهد غریزه و کمتر شناخت داستان نوشته ام در حالی که این کتاب آخرم}مدارصفردرجه{ را بیشتر با شناخت داستان و کمتر از روی غریزه نوشته ام. (گلستان، ۱۳۸۶: ۲۱)

در رابطه با اینکه چه عواملی به آثار داستانی، ویژگی واقع گرایی میبخشد، میتوان به این گفته چایلدز استناد نمود که ویژگیهای رئالیسم اجتماعی را اینچنین بر می شمارد: در کنار شخصیتهایی که هم قابل تشخیصاند و هم بازتاب تصاویری که خوانندگان از خودشان می سازند، مرجعیت وثوق روایت، محیط دوره و زمانه، مکانهای نمونه، گفتار معمولی، طرح داستانی خطی و استفادهی از سخن آزاد غیر مستقیم، دیگر ویژگی هایی است که به اثر جادوی واقعگرایی می بخشد. (چایلدز، ۱۳۸۲: ۸۷) این خصایص که چایلدز برای داستان های واقعگرا بر میشمارد، نویسندگان رئالیستی را بر آن میدارد که در انتخاب عناصر داستانی چون: درونمایه، شخصیتها، حوادث، زبان، گفتوگو و زمان و مکان بسیار دقت کرده شیوهای را از پرداخت این عناصر در داستانها برگزینند که به واقعیت نزدیک بوده، همذاتپنداری خواننده با فضای داستانی را قوت بخشند، در نتیجه به داستانی رئالیستی دست یابند.

رعایت در انتخاب این عناصر داستانی، خصیصههایی هستند که نه به صورت تئوری بلکه با شواهد موجود در آثار رئالیستی احمد محمود به عنوان نویسنده توانمند واقع گرا میتوان تصدیق نمود مهمترین ویژگیهای آثار پختهی اوست که به نوشتههای وی رنگ رئالیست اجتماعی داده، خواننده را در چنان فضای سه بعدی قرار میدهند که ساختگی بودن آثار را باور ندارد و آنها را واقعیت صرف میپندارد.

پیشینه

«نامه فرهنگستان «در رابطه با احمد محمود و آثار او تحقیقات زیادی انجام شده است، از جمله : سلسله مقالات درج شده در که طی چهار مقاله به نقد و بررسی آثار محمود از نظر شخصیت و سبک زبان و روایت» اناهید اُجا کیانس «به قلم خانم از محمد» شخصیت و شخصیّت پردازی در

آثار سیمین دانشور و احمد محمود « : پرداختهاند، همچنین پایاننامههایی چون از عطاءالله رشیدی فرد، ») رمان جنگ)براساس ساختار رمان زمین سوخته احمد محمود و زمستان ۶۲ اسماعیل فصیح « ، غلام از فاطمه محسن زاده هدشی از دیگر نمونههایی است که میتوان » مقایسه زبان داستان درآثار دولت آبادی و احمد محمود» در این حوزه از آنها نام برد. این تألیفات هر کدام به نوعی در ساختار و زبان آثار محمود تحقیق نمودهاند. شرحها و نقدهایی نیز از عبدالعلی دستغیب درباره احمد محمود موجود است که به صورت کلی در نقد سبکی آثار احمد محمود بوده به شیوه ای نگاهی کلی به سبک، زبان « اختصاصی به عناصر داستان نپرداخته است. در حوزه سبک شناسی وی نیز پایان نامهای با عنوان به نوشته کبری دلفی یافته شد که عنصر درونمایه بومی را در » و عناصر داستانی احمد محمود نویسنده صاحب سبک معاصر به نوشته کبری دلفی یافته شد که عنصر درونمایه بومی را در توجه به دیدگاه ها و سبک نویسنده و زبان خاص وی، در راستای تأکید » زمین سوخته « و » مدار صفر درجه « دو اثر او یعنی مهمترین وجوه سبک « بر اهمیت و جایگاه هر یک در نگاه نویسنده مورد نقد قرار گرفته است. مقاله ای نیز تحت عنوان از غلامرضاپیروز به چاپ رسیده که چون دیگر نقد ها به زبان خاص و بومی گرایی محمود » شناختی داستانهای احمدمحمود درسبک داستان نویسی محدودمی شود.

روش تحقیق

در این پژوهش که با رویکردی تحلیلی توسعه ای به موضوع واقع گرایی اجتماعی در آثار احمد محمود پرداخته است، مقدمات تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه ای بدست آمده و در بخش تحلیل نیز با بررسی آثار داستانی نویسنده که در دو قالب رمان و داستان کوتاه موجود بودند به کاوش عناصر واقع گرایی اجتماعی موجود در داستانها پرداختیم؛ از میان آثار محمود رمان گزینش و مورد » بازگشت « و تک داستان کوتاه » مدار صفر درجه «،» زمین سوخته « ،» داستان یک شهر « ،» همسایه ها « « های دریا هنوز « ،» زائری زیر باران « ،» بیهودگی « ،» مول « : بررسی قرار گرفتند، چرا که این آثار به مراتب از داستانهای دیگری چون واقعگراتر بوده، به لحاظ سبکی گویای جنبههای رئالیسم اجتماعی نوشتههای وی » غریبهها و پسرک بومی « ،» آرام است. مدار صفر « ،» داستان یک شهر «،» همسایهها «(هستند دیگر اینکه پیوستگی موضوعی و شخصیتی که در این

آثار به چشم میخورد بیشترند؛ همچنین بیشتر داستان-) » دیدار « از مجموعه » بازگشت « و داستان کوتاه » زمین سوخته «،» درجه های کوتاه وی، یا در رمانهای مورد بررسی تکرار شده یا برشی از همین رمانها هستند که به عنوان داستان کوتاه در جزواتی جداگانه به چاپ رسیده اند. محمود، این است که روایتش به گونه ای دنباله ی سرنوشت » دیدار « از مجموعه » بازگشت « دلیل انتخاب داستان کوتاه است. » داستان یک شهر « و » همسایه ها « قهرمان رمان های » خالد.

بحث و بررسی

در هر اثر داستانی عناصری وجود دارد که قرار گرفتن آنها در کنار هم، منجر به آفرینش یک اثر واحد است، این عناصر به ترتیب عبارتند از درون مایه، شخصیت ها، حوادث، زبان، گفتگو، زمان و مکان. بنابراین نکته چگونگی گزینش این عناصر، نوع داستان را مشخص می سازد. احمد محمود با ذکاوتی خاص و آگاهی از این امر، قواعدی را در گزینش و خلق عناصر داستان رعایت نموده است که به آثارش رنگ واقع گرایی اجتماعی می دهد. اولین شاخصه سبک واقع گرایانهی محمود در انتخاب درونمایه آثارش نمایان شده به ترتیب در شخصیت پردازی، گزینش حوادث داستان ها دنبال می شود.

درونمایه

«سبک محمود را پرداختن به واقعیت های ملموس زندگی اجتماعی می دانند.» (فقیری. ۱۳۸۶: ۲) محمود در توضیح موضوعات داستان هایش، نویسندگان را به دو دسته متعهد به اجتماع و غیر متعهد تقسیم میکند و رسالت ادبیات را جز، ازاینرو درونمایه بیشتر آثار محمود، نگاهی انسانی به : تعریف انسان، جامعه و خود فرد نمیداند. (ر.ک گلستان، ۱۳۸۶: ۹۸) اجتماع و بیان زندگی مردم در دورههای آنهاست. مهمترین درونمایههای محمود در شرحی که از اجتماع ارائه میدهد، به سیاستهایی مربوط میشود که در طی تصمیمات نادرست دولت ایجاد شده، بیشترین تأثیر را بر زندگی مردم فرودست داشته است و نتایج این سیاست ها یعنی فقر توده زحمتکش و متوسط جامعه، تبعات آن چون: در به دری و بیکاری مردم، ناهنجاری های اخلاقی و فساد، دزدی، قاچاق، می خواری ... بیشترین تأثیر را بر احوال مردم آن عصر داشته، زندگیشان راتحت الشعاع قرار

داده است. این موضوعات تمام شخصیتهای آثار وی را چه اصلی و چه فرعی در بر میگیرد. او این درونمایه را در قللب برش هایی از زندگی پیرامون خود ریخته، رفته رفته به لایه های زیرین توجه نشان میدهد و با رئالیسم کاونده خود، یعنی «بیان ریشهٔ اجتماعی وضع موجود در زیر قشر زندگی « راه های تازه ای جهت ارائه واقعیتهای اجتماعی میآفریند.» (شکری، ۱۳۸۶: ۲۰۸)

نوع موضوعات انتخابی جهت درونمایه آثار، شیوه پرداخت و ارائه این درون مایه ها مهارت احمد محمود را در داستان نویسی خالد) راوی(داستان را در موقعیتی وصف میکند که خود و همسایه- ،» همسایهها « رئالیستی مشخص می دارد. در داستان دورهای از » همسایهها « هایش به نحوهای متفاوتی درگیر فقرند و در زندگی سیاه و پر از فساد خود میغلتند. احمد محمود در زندگی مردم جنوب ایران را به طور جامع از بطن دگرگونیهای تاریخی نشان میدهد. محمود در این رمان تلاش کرده است وضعیت اجتماعی مردم در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۲۰ را توصیف کند و حقایق اجتماعی تاریخی آن دوران را بدون هیچ پیش داوری بازگونماید.» (محمود، ۱۳۸۷: ۹ -۱۰)

در «داستان یک شهر» فقر در بندر لنگه، به نحوی دیگر و در موقعیتی جدیدتر نمود مییابد وی شرایط و احوال مبارزان سرخورده از حکومت آن دوره را، در قالب روایت زندگی کسالت بار مبارزی تبعیدی در یک شهر بندری دورافتاده بیان میدارد. اثر،روایت سالهای خاموشی و خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ را در بر دارد. (محمود، ۱۳۸۲: ۱۸) نویسنده، پروندهٔ فقر سالهای » مدار صفر درجه « مانند دو اثر گذشته همین روال دنبال شده، اما در » بازگشت « در داستان سلطنت شاهنشاهی را با تمامی تلاشهای مردم جهت تغییر مکان طبقاتی و بهبود احوالشان بازخوانی نموده، با ظهور انقلاب این دو روایت نیز خود نمونهای کوچک از نتایج سیاست حکومت وقت و : اسلامی بایگانی میکند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۷۱۴) وضعیت زندگی آن دوران است. محمود در این داستانها موضع خود را مشخص میکند. محمود با کسب تجربههای اجتماعی، در داستان هایش به سوی تجسم زندگانی مردم و آنچه در ژرفای مناسبات اقتصادی سیاسی میگذرد)مهاجرت روستاییان به شهر، مشکل بیکاری... . (صفوی، ۱۳۸۱: ۴۳)

نیز چنانکه اشاره کردیم که محمود در هر داستان، بیشتر به موضوعاتی که در برههای از تاریخ ایران مهم و » زمین سوخته « در دغدغهٔ مردم بوده، توجه دارد. در این داستان نیز جنگ

موضـوعی اسـت که بدان پرداخته و آن را بعنوان عنصـری ویرانگر معرفی کرده که فقر را به دنبال دارد. (محمود، ۱۳۷۸: ۲۰)

نویسـندگان غالبا ترجیح می دهند که درونمایه را به طور مشخص و واضح در اختیار خواننده قرار ندهند و خواننده باید با خواندن کل متن به این دریافت دسـت پیدا کند. گاهی فکر حاکم و مسلط بر اثر، در قالب سخنان شخصیت های داستان به ویژه قهرمان ارائه می شود. پیرنگ، زاویهی دید، توصـیف ها، عنوان داسـتان، لحظات کلیدی و تأکیدهای نمادین، معمولاً شـواهد محمود نیز به همین منوال در بیان موضـوعات : خوبی برای یافتن معنای داسـتان به شـمار می رود. (اسـکولز، ۱۳۷۷: ۲۲) مطرح در آثارش، مسـتقیماً اظهار نظر ننموده بلکه به صـورتی مبهم در طی گفتههای شخصـیتها، عنوانها، توصـیفها، انگارههای تکرار، گفتههای کنایهوار، لحن روایت و به تصـویر کشـیدن صـحنهها به بیان درونمایه آثار واقعگرایانهاش محمود در آثارش از هر فرصـتی جهت پرداخت به درونمایه بهره برده به طور ضمنی به میپردازد. (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۱۵۶)

آن اشاره میکند و این هوشیاری خواننده است که او را به لایههای زیرین داستان راهنما شده، به وی کمک میکند تا درونمایه و اندیشـهی نویسـنده را دریابد. به عنوان مثال محمود سـیاسـت استعماری جامعه را که فقر خانوادههای دنگای همسایهها را موجب شده است از زبان شخصیتهایش اینچنین طرح می کند روم تو اتاق پدرم می نشـینم نوشـتهٔ همهٔ کاغذها مثل هم اسـت . چیزهائی اسـت که اصـلاً سـردر نمی آورم . جانم بالا می آید: تا یک کلمه را هجی کنم و تازه وقتی کلمه را هجی کردم و خوانـدمش، معنی اش را نمی فهمم . مثلاً نمی دانم این معنی اش اسـتعمـارگر خونخوار " چه جور جانوری است که فقط خون می خورد و اشـتهاش هم سـیری ناپذیر است . لابد، بی جهت اسم " استعمارگر " را " خونخوار"

نگذاشته اند . باید دلیلی داشته باشد.

و با عبارتی کنایی از زبان شخصیتش ابراهیم می گوید:

-نفت بخوره که بهتره تا خون بخوره

وعقیده دارد که اگر این جانورهوس خون آدم بکند، بدجوری میشود. (محمود، ۱۳۸۷: ۲۳)

در دیگر آثار مورد نظر در این پژوهش نیز همین ویژگی به شـــیوه ای ماهرانه تر دنبال شـــده است.

شخصیت

یکی از عناصر بسیار مهم و تاثیرگذار در داستان های رئالیستی، عنصر شخصیت و شخصیت پردازی است. اگر خواننده شخصیت های داستان را واقعی بداند یعنی واقعی و حقیقی بودن داستان را باور کند شـخصـیتهای واقعگرا حقیقیاند نه به این داسـتانهای محمود از نظر شـخصـیت غنی- : جهت که به ما شبیهاند بلکه به این علت که قانع کنندهاند. (فورستر، ۱۳۶۹: ۶۸)

اند و شـگردهای وی را برای خلق شـخصـیت های قانعکنندهش میتوان به شـیوه های رعایت پایگاه اجتماعی شخصیت، چگونگی ورود شخصیت به داستان، نمود عینی شخصیت، شخصیتهای نوعی در داســـتان خلاصـــه نمود. طرح مســـائل اجتماعی آثار احمد محمود در گزینش طبقهای شـخصـیتها نیز موثر بوده، او را واداشـته اسـت که شـخصـیتها اکثراً از طبقات پایین و متوسـط جامعه باشند و این مسائل در سطح زندگی و کنش این چهرهها بررسی شود؛ شخصیتی استثنایی و دور از ذهن، قهرمان نیسـت همه در جوار هم در روایت داسـتان مشـغول زندگی هسـتند، شـخصـیتشـان هم دارای بعد منفی و هم چیزی که شـخصـیت رمان را درســت همچون خود ما میکنداین اســت که سرشته از خوبی و بدی دارای بعد مثبت است. (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۶)

که روایت دغدغههای مردم تنگدست و قشر ستمدیده از سیاست حکومت است، راوی)خالد(نوجوانی » همسایه ها « در رمان به اقتضای سن » خالد « . از خانوادهای فقیر است. خانوادهای که هرکدام از اعضای آن در جهت بهبود وضع معیشتی در تلاشند نوجوانی خود، رفتار خوب و بد دارد تا اینکه در پایان به مبارزی انقلابی تبدیل میشود. این تکامل شخصیتی در نوع لحن روایت خالد نیز مشـخص اسـت. وی در آغاز رمان، مشـاهداتش را اینچنین تعریف می کند: اگر « پدرم برود بیرون می توانم کبوترهام را هوا کنم و از معلق زدنشان لذت ببرم . بچه ها تو حیاط قشقرق به پا کرده اند . صـبح جمعه زودتر از روزهای دیگر از خواب بیدار می شـوند . امید، پسـر محمد میکانیک مدرسـه

می رود . کلاس دوم است . من تا کلاس چارم خوانده)۵ : محمود، ۱۳۲۰ (» ام لحن روایی نوجوانی که با آب و تاب سخن می گوید به وضوح در این گفته ها پیداست و این در حالی است که در پایان رمان با متانت خاص جوانی انقلابی چنین شرایطش را شرح می دهد:

صد ویک « روز است که با کسی حرف نزده ا م . وقتی که فهمیدم دستور داده ا ند کسی بام حرف بزند، منهم لج کردم . حتی با پاســـبان نادر هم دیگر حرف نزدم . دلم دارد میت رکد . بی خوابی زده است به سرم . اگر تو حسابم اشتباه نکرده باشم، فردا باید آزاد شوم . شب از نیمه باید گذشته باشد . بد جوری تنم داغ شده است . لابد تب کرده اند (همان: ۱۷۶) دیگر همسایههای این خانهی دنگالی)آفاق، محمد مکانیک، رحیم خرکچی، امان آقا و...(نیز هرکدام به نحوی با این فقط دست و پنجه نرم میکنند و در طی داستان تغیر کنش و رفتار می دهند.

راوی » داســتانیکشــهر « رمان و دیگر شــخصــیتهای ســاکن در بندرلنگه، مردمی ســتمدیده هســتند که در این جزیرهی دور افتاده به زندگی مشغولند؛ این خصیصه در بخش دوم داستان که یادآوری گذشتهی سیاسی از جمله » علی « خالد است نیز رعایت شده، شخصیتهای مربوط به زمان مبارزه هم، از افراد عادی برگزیده شدهاند. شخصیت اشخاصی است که خواننده از آغاز داستان به واسطه توصیفها، گفتار و کردارش با او آشنا میشود. علی شاد میشود، غمگین میشود، مورد علاقه خواننده است اما گاهی هم دست به اشتباه می زند. خصلتهایی که تنها مخصوص اوست. شخصیت 0 (.و ۹ و ۳۵۵ و ۵۵۵ : اســـت)محمود، ۱۳۲۸ » شـــریفه « در پایان مظنون به قتل » علی» شخصیتهایی چون شاسب، غلام، پسرخاله، مرد زرقانی و...، از طبقات فرودست جامعه هستند. به طور » بازگشت « در داستان از آغاز، نوجوانی کاری و پرتلاش از خانوادهی متوسط جامعه معرفی میشود. وی خوب است ولی بعد از » غلام « مثال شخصیت شکست مصدق و حزب توده، تنفرنامه را امضا کرده، زیر چتر حکومت میرود و به دلیل ترس از دست دادن داشتههایش، از :تمامی عقاید خود پا پس کشـــیده، ننگ بندهی دولت بودن را به بهای زندگی راحت به جان میخرد)محمود، ۱۳۶۹: ۱۰۰

پدر خانوادهای چهار نفره، مغازه دار - » کل شعبان « نیز همچنین از جمله شخصیت ها » زمین سوخته در محله که شخصیتی منفور نیست اما بعدها از شرایط بحرانی جنگ بهره برده، به

فکر پولدار شدن است و به اصطلاحی خون که به - » مدار صفر درجه « نوجوان روستایی در » شهر و همچنین : مردم را در شیشه میکند)محمود،۱۳۷۸: ۱۵۷) شهر آمده و با تلاش به فکر کسب روزی است. او در آغاز شخصیتی دوست داشتنی است و در ادامه داستان جای آن مرام و تلاش را دغل بازی و قاچاقچیگری میگیرد؛ هرچند در این مورد هم نمیتوان گفت وی شخصیتی عموماً بد است، کنشهای این شخصیت آمیزهای است از کارهای خوب و بد، به گونهای که خواننده بدی او را نتیجه شرایط زندگیاش میداند نه به این شیوهی نوشتن دیدن است و قلم نویسنده سطوح بیرونی - : سبب طینت بد وی.)محمود، ۱۳۷۶: ۳۷۹). ماجراهای مقابل خود را ثبت میکند. اثری از همدردی و داوری نیست)ر.ک. مستور ، ۱۳۸۶: ۳۹ نحوهٔ جالب ورود شخصیتها به داستان، از دیگر خصیصههای شخصیتپردازی واقع گرای محمود است. همانگونه که در زندگی روزمره در طی حوادث، از طریق گفتار و اعمال یا با درک خودمان، با اشخاص آشنا می شویم در داستان های محمود نیز در خلال حوادث، گفتار و اعمال و متناسب با زاویه دیدی که برای روایت اثر انتخاب نموده، خواننده با شخصیت ها آشنا رمان با حادثه کتک زدن بلورخانم آغاز میشود خواننده با امان آقا، بلورخانم، راوی و مادر » همسایهها « می شود. در داستان راوی و دیگر همسایه آشنا می شودو متناسب با زاویه دید)اول شخص مفرد یا من راوی(، رمان از دریچهٔ نگاه نوجوانی که خود شخصیتی از رمان است به درون داستان راه یافته، تمامی مناظر و اشخاص با کنجکاوی وصف میشوند. متناسب با زاویه دید این وصفها توصیفاتی بیرونی و عینی بوده، که به اندازه دید راوی به خواننده منتقل میشود و شخصیت بلور خانم و امان آقا را با اعمال و گفته هایشان به خواننده می شناساند)محمود، ۱۳۷۸: ۲۳۰

با زاویه دید اول شخص مفرد یا من راوی، شخصیت ها با اندک وصفی و بیشتر از طریق حوادث و گفتار » داستان یک شهر « در اکثر شخصیتهای کم و بیش مهم و اصلی داستان ،» علی « و اعمال معرفی می شوند. در آغاز رمان در جریان تشییع جنازه به هر دو » گروهبان غانم « و ..معرفی می شوند و در ادامه داستان » گیلان «،» قدم خیر «،» علی دادی «،» گروهبان غانم « : چون گروهبان غانم ریزه اندام است و استخوانی با چشمانی درشت و سیاه و دهانی « : شیوه یاد شده به خواننده معرفی می شود : 18 11(- محمود، ۱۳۸۲ (»... گشاد و سبیلی نرم و تنک... .

پوست سبزه گروهبان غانم تو آفتاب، تیره به نظرمیرسد راوی با اندک وصفی از شیوه رفتار و نحوه گفتار گروهبان غانم، وی را چنین به خواننده معرفی میکند:

شب قبل، با گروهبان غانم راه افتادیم و رفتیم پشته و تا دو بعد نصف شب نشستیم و با گیلان و انورمشدی عرق خوردیم و چرت و پرت گفتیم... . (همان: ۴۳) و چرا تو هم رفتی؟

دلواپس نباش! ... برا علی پیغوم دادم که منتظرت نباشه

بستهٔ سیگار را میگیرم. غانم میگوید

(همان: ۹۳ (». ... الان برات چای میارم

خواننده با ترکیب این دو نوع توصیف می تواند در ادامه داستان عکس العمل های گروهبان غانم را حدس بزند « .محتشم « جهت کار در بانک سبب میشود رئیس اداره که همان » شاسب « به عنوان نمونه، درخواست » بازگشت « درداستان قدیم است، معرفی شود. در جریان یادآوری و فلش بکی که در خاطر شاسب رخ میدهد، مخاطب از خیانتی » صفدر « امروز و تعداد دیگری از » عنایت « ،» حسن فهرجی « .)۱۲۰ : که صفدر در حق دوست شاسب روا داشته، آگاه می شود)محمود، ۶۹ شخصیتهای این داستان از همین طریق و در طی حادثههایی به داستان وارد میشوند.در این داستان نیز تناسب شخصیت و زاویهدید و همچنین ارائه شخصیت از راه گفتار و عمل را دنبال کرده است. در پایان حادثه انفجار های پیاپی، شخصیت های زیادی به داستان وارد می شوند که هم توسط زاویه » زمین سوخته « در و هم با شرکت این شخصیت ها در گفتگوهای دسته جمعی به خواننده معرفی می - -)» راوی ناظر «)شخص اول با زوایه دید)دانای کل با زاویه دید نمایشی(به دلیل آن که داستان از زاویه - » مدار صفر درجه « .)۸۱ ۸۰ : شوند)محمود، ۱۰ :۱۳۷۶

دید پخته تر و از زبان فردی بالغ روایت میشود، در ارائه شخصیتها کمتر از توصیف استفاده شده، شخصیتها بیشتر از طریق بابان «بابو» گفتگوها و اعمالشان معرفی میشوند. در این زمان نیز نویسنده در طی حادثه آغازین داستان، یعنی کوسه زدن از چندین شخصیت) برهان، رزاق، نوذر،

بلقیس و ...(نام میبرد؛ این شخصیتها حداقل تا اواخر جلد دوم و ،» باران « برادر تعدادی از آنها تا جلد سوم با خواننده همراهند)محمود، ۱۳۷۶: ۱۰۱)

نقش والای اثر رئالیستی با ابداع شخصیت نوعی)تیپ(مشخص میشود، یعنی شخصیتی که وجود او کانون همگرایی و» تلاقی تمام عناصر تعیین کنندهای میشود که در یک دورهی تاریخی مشخص از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه اساسی. این شخصیتها با تمامی فردیت و ابعاد شخصیتی خصوصی که دارند، در بعدی فراتر نماینده دارند. (پوینده، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

طبقهای هستند که این شخصیتها، نمونه و تیپ آن طبقه محسوب میشوند؛ به روایتی شخصیت هم به منزلهی فرد و هم به ، «خالد « . منزلهی نوع است؛ یعنی هم خصوصیات گروه خود را منعکس میکند و هم خصلتهای مخصوص شخص خودش را شخصیتی است دیرینه. شخصیتی که خالق و آفرینندهی خود را برای همیشه خالد و ،» همسایه ها « شخصیت اصلی رمان ملای محله از تیپ انسانهای خشکه مقدسی است که از ،» حاج شیخ علی « .)۹۱ : جاودانه ساخته است.) ر.ک. صفوی، ۱۳۸۱: ۴۶ در تیپ » خالد « جدا از شخصیت » داستان یک شهر « دین فقط به مظاهر آن چسبیده، وجود علم را در زندگی مضر میداند. در مبارزان سرخورده بعد از کودتای ۸۲ مرداد، اکثر شخصیتها تیپی از یک گروه اجتماعی به شمار آورد، به عنوان مثال هر یک سرنوشتی را پیمودهاند و تجربهگر یکی از راههای ورود به زندگی ،» خورشید کلاه « و » قدم خیر « ،» زری « ،» شریفه .) 591 » اینان اشخاصی هستند که خواننده با شنیدن سرگذشتشان متوجه : های شوم و رقت بار هرزگی بودهاند. (محمود، ۱۳۸۲: ۵۴۶) او یکی از جامع ترین زنان « : فساد و وضع تیره زندگی زنان در آن دوران میشود؛ جلالی در ذیل تفسیر تیپی شریفه مینویسد. (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) به انحطاط رفتهای است که در ادبیات معاصر امروز به وجود آمده است

در تیپ مبارزی تازه آزاد شده است که بعد از سالها به محل زندگیاش باز میگردد؛ » شاسب « نیز » بازگشت « در داستان کوتاه رضی جیب بر»،نسیم خالدار « ،» جلیل کویتی « ،» کل شعبان « ،» زمین سوخته» از آن تیپ اشخاصی هستند که از هیاهو و شلوغی زمان جنگ بهره بردند و موجب » یوسف بیعار « و » احمد فری، بودند که با همهی توانشان در حفظ شهر می- » باران « و

» ننه باران « اذیت و آزار مردم شدند، در عوض کسانی چون ننه باران سمبل مقاومت زنانی است که پا به پای بسیجیان و رزمندگان در جنگ شرکت - : کوشیدند.)محمود، ۱۳۷۸: ۹۷

میتوان شخصیت ننه باران را نمونهی دیگری از ، «مبارک خیاط « ،» یارولی « نیز هر شخصیتی، معرف تیپ خاص خود است، به طور مثال میتوان از » مدار صفر درجه « در در قالب شخصیتی طمعکار و سادهلوح که به طمع پولدار شدن توسط » یارولی « . نام برد » برهان و باران « ،» عطا و مهراب» در جرگهی مبارزانی » اوس مبارک خیاط «.) ۸۹۹ و ۳۹۹ : نیروهای ساواک به جاسوسی مبارزان، منحرف می شود. (محمود، ۱۳۷۶: ۲۴۹) قرار میگیرد که مبارزه را در حد حرف پذیرا هستند، وی در حاشیه مبارزات خودی نشان میدهد ولی به هنگام عمل تنها نمونهی » عطا و مهراب « .)۰۹ : نظارهگر بوده، سود و منفعت شخصی را بر آرمانهای انقلابی، ارجح میداند (محمود، ۱۳۷۶: ۷۹) اما مبارزانیلند که از مبارزه تنها سفسطه و لفاظی را آموخته، عمل را به دیگران واگذار نمودهاند. (محمود، ۱۳۷۶: ۳۲۶) جزو مبارزانیاند که اگر هدایت شوند و آگاهی درستی نسبت به خواستهی خود یابند، با استعداد و نیروی » برهان و باران» جوانیای که دارند میتوانند هدفمند عمل کرده، در جریان مبارزه مفید واقع شوند و به درجهی مبارزان انقلابی هدفمندی برسند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۷۷۳) در نظر محمود هیچ یک از شخصیتهایی که آفریده است، کم اهمیت نیستند بلکه اعمال و گفتار همگی این شخصیتها، به نوعی بیانگر اندیشه و عقیده نویسندهاند. شاید فرعیترین نقش در نظر محمود مهم ترین نقش باشد.

حادثه

متناسب با این که در هر کدام از آثار محمود، شخصیتهای متعدد و زندگیهای متفاوتی ارائه شده است، داستانهای او مملو ازحوادث با : حادثههای فردی و جمعی اند. رئالیست، واقعیت در نفسِ حوادث)نه در تخیل نویسنده(است)ر.ک.داد، ۱۳۰۲ به چالش کشیدن ارزش های شخصیت داستان،گره افکنیها جهت شکوفا شدن شخصیت ها، به آنها حیات میبخشد و زمان را در داستان جریان میدهد؛ پس هر چقدر با مهارت پرداخت شود حس حقیقت مانندی داستان برای خواننده قویتر خواهد بود. محمود در نحوهی ارائه حوادث، روال طبیعی یک حادثه را در نظر داشته، نتایج حوادث براساس کنش منطقی شخصیتها است و عقیده نویسنده درآن دخالت ندارد؛ یعنی از

قاعدهی علی و معلولی رئالیسم پیروی میکند. برای نمونه در هم بازی خالد است که راوی در اواسط رمان، از دزدیها و کارهای بد او صحبت میکند؛ به » ابراهیم « ،» همسایه ها « رمان همین سبب در پایان رمان، دستگیری ابراهیم به عنوان یک مجرم برای خواننده چندان تعجب برانگیز نیست چرا که نویسنده، زمینه ذهنی مخاطب را با وصف دزدیهای ابراهیم از کبوترخانهی خالد، رابطهی نامشروع وی با بانو و... به خوبی آماده می 10 (. -و ۱۸۹ و ۱۰۰ : سازد؛ این پایان نتیجهای اجتناب ناپذیر است که شخصیت ابراهیم بدان دچار میشود)محمود، ۱۳۲۰ را در مظان اتهام به قتل قرار میدهد، نتیجهای کهرچند خواننده را با » علی « ، مرگ مشکوک شریفه » داستان یک شهر « در نوعی وهم مواجه میسازد اما کاملاً عادی مینماید و آن را قابل قبول میسازد. دلیل این امر نحوه پرداخت شخصیت علی است؛ نویسنده طی حوادثی چون: اطلاعاتی که علی با آمدن شریفه به بندر، در حللت مستی، از گذشته خود به خالد ارائه مورد زنان فاسد می زند و... او را به مخاطبان میشناساند.)محمود، ۱۳۲۸ » خورشید کلاه « دهد یا حرفهایی که در منزل حوادث به همین شیوه ارائه شده، سیر منطقی آن ها خواننده را در علّی » مدارصفردرجه « و رمان » بازگشت « در داستان اگر چه اکثر حوادث داستان، از قاعدهی علّی و معلولی پیروی نمودهاند، » زمین سوخته « بودنشان مطمئن میسازد. اما در رمان در بعضی صحنهها، حوادثی رخ میدهد که برانگیزانندهی برخی سؤالها در ذهن خواننده است، سوالهایی که غالباً بیجواب میماند؛ آن چه رابطه علّی را در این داستان سست میکند، شتابزدگی نوشته به واسطهی نزدیکی زمان نوشتار آن با موضوع یعنی وقوع جنگ تحمیلی است. به عنوان نمونه چگونه در بحبوحهای که شهر از همه طرف زیر خمپاره و ترکش بوده، تمام در خانه نشسته است. یا » شاهد « راههای ارتباطی قطع است، هنوز خطوط تلفن دایرند و راوی داستان منتظر تلفن برادرش چگونه راوی، زیرزمین امن خانه را رها میسازد و به خانهی گِلی ننه باران پناه برده، دوباره شب قبل از بمباران محلهی ننه باران به خانهی خود باز میگردد. حوادث داستانهای محمود خطی مستقیم نیستند که برای خواننده کسالت بار باشند، قدرت ترکیب حوادث و پیشبرد آنها به موازات هم، یکی دیگر از هنرهای داستان نویسی محمود است،گذشته و حال و آینده دوشادوش هم در نقل داستان در قیافهی تصویر برشی از زندگی به خود بگیرد باید زمان وقوع حوادث را به هم نزدیک « حرکتند. برای اینکه داستان بتواند یونسی ، ۱۳۵۵ (». ساخته، کاری کنیم که حوادث داستان درهم بدوند.

بنابر نوع روایت داستان)تک گویی راوی(، حوادث در ذهن شخصیت به هم پیوند خورده، در هم ادغام - » بازگشت « در داستان میشوند و به مرور، مطابق با پیشبرد داستان به نتیجهای منطقی منجر میشوند؛ به طور مثال حادثهی دیدار پسری عقب « افسانه « گذشتهی غیراخلاقی ،» غلام « که با دیگر تلاطمات ذهنیِ شاسب نظیر خیانت هم رزم انقلابیاش » رزاق « مانده به نام والدین این کودک و... ترکیب می شود.

توسط کوسه در دریا، دزدیده » بابو « نویسنده از شروع داستان سه حادثهی عمده یعنی خورده شدن ،» مدار صفر درجه « در به دنبال از دست دادن زمینش از » عمو فیروز « شدن ساعت وی و تلاش خانواده بابو جهت یافتن ساعت گم شده و مهاجرت روستا به شهر را در پی هم میآورد که خود پایهی حوادث دیگر داستان شده تا جلد پایانی پیگیری میشوند در کنار این حوادث در زمان حال، توسط شخصیت بیبی سلطنت حادثه مرگ نوروز پدر خانوده در گذشته نیز روایت می شود(.محمود، ۱۳۷۸: ۱۰۱) به سبب گزارشی بودن داستان، نویسنده جدای از حوادثی که در حین گفتگوها بیان میدارد، تنها به » زمین سوخته « اما در بیان حوادثی که خود ناظر بوده، پرداخته است. به همین دلیل راوی به طور هم زمان، امکان ترکیب چندین حادثه را نداشته، سعی خود را بر پرداخت حادثهای واحد که در حال اتفاق است، متمرکز میسازد. در آثار محمود، حوادث از زبان شخصیتها و راوی و یا در حین گفتگوهای اشخاص داستانی ارائه میشوند. این حوادث چنان در بطن روایتها جای داده شدهاند که به عنوان سیر عادی رویداد در زندگی روزمره شخصیتها انگاشته میشوند.

نتیجه گیری

احمد محمود با ذکاوتی خاص، قواعدی را در گزینش و خلق عناصـــر داســـتان رعایت نموده است که به آثارش رنگ واقع گرایی، «داستان یک شهر « ،» همسایهها « : اجتماعی داده است. در بررســیکه بر روی آثار گزینش شــدهی احمد محمود چون به عنوان نمونه والای رئالیســم اجتماعی نویسنده، » مدار صفر درجه « و » زمین سوخته « ،» دیدار « از مجموعهی » بازگشت» انجام شد به این نتیجه دست یافتیم که وی با گزینش و پرداخت رئالیستی عناصر داستان، به سبک واقع گرایی اجتماعی اش دســت یافته اســت. اولین شــاخصــه ســبک واقع گرایانهی محمود در انتخاب درونمایه آثارش نمایان میشود و به ترتیب در شخصیت پردازی، گزینش حوادث داستان ها دنبال می شود. آنچه موجب واقعگرایی درونمایهی بیشتر آثار محمود میشود « فقر « ، نگاهی انسانی به اجتماع و بیان زندگی مردم و دردهای آنهاســت. موضــوعی که در تمامی آثار محمود مشــترک بوده بوده که نتیجه سیاست های نادرست حاکم بر جامعه همعصر وی است. دیگر اینکه این درونمایهها در قالب برش هایی از زندگی پیرامون خود ریخته شــدهاند. محمود در آثارش از هر فرصــتی جهت پرداخت به درونمایه بهره برده به طور ضمنی به آن اشاره میکند و این هوشیاری خواننده است که او را به لایههای زیرین داستان راهنما شده، به وی کمک میکند تا درونمایه و اندیشهی نویسنده را دریابد.

از دیگر مولفه هایی که داستان های وی را باورپذیر میکند شخصیت های قابل باور او هستند. داستانهای محمود از نظر شخصیت غنیاند. شگردهای وی برای خلق شخصیت های قانع کننده ش را میتوان نوع انتخاب قهرمان های داســتان که مردم عامیاند و در قالب تیپ های شــخصــیتی ظاهر می شوند دید، این شخصیت ها سرشته از خوبی و بدیاند و در خلال داستان به واسطه گفتار و اعمال و گاه از گذر حوادث همچون زندگی عادی خوانندهها معرفی می شوند؛ متناسب با درونمایه و شخصیت های رئالیتسی حوادث نیز بدقت پرداخت شدهاند و با به چالش کشیدن ارزش های شخصیت داستان، حس حقیقت مانندی داستان را برای خواننده قویتر می کنند. محمود در نحوهی ارائه حوادث، روال طبیعی یک حادثه را در نظر داشــــته، نتایج حوادث براســــاس کنش منطقی

شـخصـیتها اسـت و عقیده نویسـنده در آن دخالت ندارد. یعنی از قاعدهی علی و معلولی رئالیسـم پیروی می کند.

در پایان باید گفت، محمود در تلفیق این سـه عنصـر و وحدتی که مابین آنها ایجاد نموده به چنان سـبکی دسـت یافته اسـت که در هر کجا مشـخصـهی نوشـتاری وی بوده، شـیوهی او را در نویسـندگی یادآور میشـود. او در پرداخت سـبک رئالیسـم اجتماعی در آثارش، چنان پر قدرت عمل کرده که بهترین نمونههای این جنبش را میتوان در آثار وی یافت.

منابع

۱. اسکولز، رابرت، (۱۳۰۰) عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشرمرکز، چاپ اول.

۲. ایرانی، ناصر، ۱۳۲۰ (، هنر رمان، تهران: نشر آبانگاه، چاپ اول)

۳. پوینده، محمد جعفر، ۱۳۰۰ (درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات، تهران: نشر نقش جهان، چاپ اول)

۴. چایلدز، پیتز، ۱۳۲۱ (، مدرنیسم، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر ماهی، چاپ دوم)

۵. داد، سیما، ۱۳۰۲ (، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: نشر مروارید، چاپ دوم)

۶. زنوزی جلالی فیروز، تحلیل و نقد رمان های احمد محمود، تهران: نشر تندیس، چاپ اول. «زمین سوخته» ۱۳۲۱ (، باران بر)

۷. شکری، فدوی، ۱۳۲۱ (واقعگرایی در ادبیات داستانی معاصر، تهران: نشر نگاه چاپ اول)

۸. عبداللهیان، حمید، (۱۳۰۹)، کارنامه نثر معاصر، تهران: نشر پایا، چاپ اول.

۹. فورستر، ادواردمورگان، (۱۳۱۹)، جنبه های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر نگاه چاپ چهارم.

۱۰. گلستان، لیلی، (۱۳۲۱)، حکایتحال (گفتگو با احمدمحمود) ، تهران: نشر معین، چاپ دوم.

۱۱. محمود، احمد، (۱۳۱۹) ، دیدار، تهران: نشر نو .چاپ سوم.

۱۲. ۱۳۰۱، (مدار صفردرجه، ۳ جلد، تهران: نشر معین، چاپ سوم ---------- .)

۱۳. ۱۳۰۲،(زمین سوخته، تهران: نشر معین، چاپ سوم ---------- .)-

۱۴. ۱۳۲۸ ، (داستان یک شهر، تهران: نشر معین، چاپ ششم ---------- .)

۱۵. ۱۳۲۰ ، (همسایه ها، نشر ----------)، چاوشان نوزایی کبیر، چاپ اول.

۱۶. مستور، مصطفی، (۱۳۲۱)، مبانی داستان کوتاه، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.

۱۷. میرعابدینی، حسین، (۱۳۲۱)، صد سال داستان نویسی ایران، ۸ جلد، تهران: نشر چشمه، چاپ چهارم.

۱۸. میرصادقی، جمال، (۱۳۱۹)، عناصرداستان، تهران: نشر شفا، چاپ اول

۱۹. یونسی، ابراهیم، (۱۳۵۵)، هنر داستان نویسی، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ سوم__